



روایتی فراتر از جنگ، بر سفره زندگی

معجزه اربعین و هم‌نشینی همسر شهید ایرانی با بیوه سرباز عراقی

معتمدیم هر کسی می‌تواند هر جایی خادم اهل بیت باشد، به هر روشی. در ستون رضوانه، خاطرات زنانه عشق و طریق رسیدن به آسمان را مرور می‌کنیم و مشتاق شنیدن روایت‌هایتان هستیم. راه ارتباطی با ما شماره تماس ۰۵۱۳۷۲۸۸۸۸۱ است.

و حسین^(ع) معجزه می‌کند. خون می‌خشکد به نام او. مهر جاری می‌شود به رمز یا حسین^(ع). می‌شویید قهر را، کینه را، دشمنی را، حتی اگر خون واقع شده باشد پای آن. این را وقتی می‌فهمم که در سفر اربعین گذرم به یک موبک خانگی می‌افتد، موبکی که یک زن تنهای عراقی آن را برپا کرده بود. می‌روم تا به اندازه کف آبی میهمانش شوم و به اندازه استراحتی کوتاه، نفس تازه کنم. در همان دقایق کوتاه به یک فهم بلند می‌رسم به نام امام حسین^(ع)، به حکایتی که در همان موبک یک نفره شکل گرفته بود. همان زمانی که ما بودیم فهمیدیم، بانو خانه‌اش را گذاشته بود برای پذیرایی از ایرانی‌ها. خودش هم به خدمت برخاسته بود، بانوی عراقی که شمار سال‌های زندگی‌اش از شصت افزون بود. چند سال است در خانه‌اش به روی ایرانی‌ها باز است و او با اشتیاق، شوق افزای محفل میهمانان‌اش می‌شود، همان‌هایی که میهمان امام حسین^(ع) می‌خواند. در میان همه میهمانان، یک بانوی ایرانی برایش جایگاهی ویژه دارد. آخر بانوی میزبان فهمیده است او همسر شهید است، همسر مردی که در جنگ با عراق به شهادت رسیده است. عربی نمی‌دانست اما بانوی عراقی می‌توانست شکسته‌بسته جملاتی به فارسی ادا کند. همان کلمات را هم با مهر خرج میهمانان می‌کرد و با مهری افزون‌تر برای بانوی شهید به کار می‌گرفت. آب آوردنش، سفره انداختنش و غذا آماده کردنش یک حس خاص داشت، حسی از شرم و معرفت. اندک زمانی که می‌یافت، با همسر شهید می‌نشست به گفتن همان کلماتی که از فارسی می‌دانست. در میان همین گفته‌ها معلوم شد او هم قصه‌ای مشابه دارد با همسر شهید. شوی او هم در همان جنگی که صدام علیه ایران آغاز کرد کشته شده بود. وجه مشترکشان تنهایی بود، بعد شوهرانشان، تنهایی‌ای که در میانه راه دهه چهلیم بود. سخت است قریب یک چله تنهایی. هردو تنها بودند اما باعث و بانی‌ای که لعن می‌کردند یکی بود: صدام، هم‌او که مرگ را میان ایرانی و عراقی قسمت کرده بود، مرگی که حق هیچ‌کدام نبود. سهمشان زندگی بود اما او از آنان گرفته بود. اکنون بعد از ده‌ها سال این دو بانو به هم رسیده بودند که نام حسین^(ع) یکی را به عنوان میزبان و دیگری را به اسم میهمان سر یک سفره نشاندند بود. با هم حرف می‌زدند بی‌آنکه کینه‌ای در میان باشد.

بانوی عراقی میهمان خانه‌ای باشد که همسر شهید ایرانی سفره‌اش را می‌اندازد. یاد محمود دولت‌آبادی می‌افتم و کتاب «طریق بسمل شدن»، جایی که میان نفر و سرباز فرق می‌بیند. وقتی دور است نفر است اما وقتی نزدیک می‌شود سرباز است، آدم است. قصه فرق می‌کند. حالا دو بانو که شویشان قربانی فزون‌خواهی صدام شده است دیگر دور نیستند که نفر باشند. نزدیک‌اند به عنوان همسر دو سرباز. دو انسان با هم معاشرت می‌کنند به نام امام حسین^(ع). معجزه اربعین همین تصویرهای روشن است که اخوت و ملت را تا آشنایی و مهربانی ارتقا می‌دهد.

پاسخ به پرسش‌های حقوقی



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

پدر بزرگم فوت کرده است و مادرم نمی‌داند ایشان دقیقاً چه چیزی به نام دایی‌ام کرده است. اصلاً نمی‌دانم ادعای دایی سندیت دارد یا نه. با توجه به حفظ احترام خانواده، چطور می‌توانیم در این باره آگاه شویم؟

در این فرض، ابتدا باید به انحصار وراثت اقدام کرد. پس از مشخص شدن ورثه و نسبت سهمشان، هر کدام از ورثه می‌تواند به استعلام اموال متوفی اقدام کند تا وضعیت ماترک مشخص شود. چه بسا امکان دارد مالی که نام متوفی بوده باشد و ورثه از وجود آن بی‌اطلاع باشند یا مشابه سؤال، اموالی که قبلاً در مالکیت متوفی بوده است در زمان حیات وی به نام دیگری منتقل شده باشد. بنابراین بهترین راه استعلام اموال خواهد بود.

سه خواهر و برادر هستیم که بعد از فوت پدر قرار گذاشتیم به احترام مادر به خانه دست نزنیم اما الان یکی از برادرها بهانه تراشی می‌کند. چاره چیست؟ آیا همین یک نفر می‌تواند باعث فروش خانه شود؟



پس از فوت، هر کدام از ورثه می‌تواند به درخواست صدور انحصار وراثت و پس از آن به دادخواست تقسیم اموال اقدام کند. هر فردی می‌تواند به یک سوم اموال خود به هر نحوی و اندازه‌ای وصیت کند. در واقع وصیت‌نامه با آنچه عموم مردم تصور می‌کنند متفاوت است. یعنی برای تقسیم اموال به‌جامانده از متوفی، قوانین مربوط به ارث جاری می‌شود و وصیت جدا از این موارد است. برای نمونه، فرد در وصیت‌نامه می‌تواند تا یک سوم اموال خود را به هر فردی واگذار کند. این فرد می‌تواند از اقوام وی یا حتی فردی غریبه باشد اما در باره بیش از یک سوم هر وصیتی داشته باشد قابلیت اجرا ندارد. بنابراین پس از فوت، اموال متوفی بر اساس وصیت‌نامه‌ای که مطابق قانون تنظیم شده باشد قابلیت اجرا و تقسیم دارد. بیشتر از آن باید مطابق قوانین ارث به نسبت سهم هر فرد تقسیم شود.

یکی از آن ۸ دختر



سعيدة آل ابراهيم
خبرنگار

زهرا علایی که سال‌هاست ساکن مشهد است یکی از هشت دختری است که در روزهای اول جنگ اهواز را ترک نکرد. او آن زمان توانسته بود بورسیه بگیرد. با این حال، از ایران خارج نشد و پشت جبهه شروع به کمک کرد. دو ماهی از جنگ گذشته بود و زهرا و خواهرانش تعلیمات نظامی را در کلاس‌هایی به عنوان «شهید علم الهدی» آموزش می‌دیدند. او می‌گوید: ما شهروند بودیم اما زندگی جدیدی سراغمان آمده بود و باید به رزمندگان تبدیل می‌شدیم. کمی گذشت. شهر امن نبود. خانواده بعد از فوت عمویم در آبان می‌خواستند به شوشتر بروند و ما دختران می‌خواستیم در اهواز بمانیم. به یاد دارم که مادر، خاله و زن عمو به شدت مخالف بودند. جلو ما ایستادند. تهدیدمان کردند. به ما وعده دادند که فلان وسیله را برای شما می‌خریم یا اینکه بعد از شوشتر به شیراز می‌رویم و در آنجا زندگی می‌کنیم. اما ما دختران سفت و سخت پافشاری کردیم. برای خانواده دلیل آوردیم که بیمارستان‌ها نیرو می‌خواهند. در حالی که شهر خالی شده و خانواده‌ها رفته‌اند، ما باید بمانیم و هر کار از دستمان برمی‌آید انجام دهیم. دست آخر، خانواده‌ها حریف ما نشدند. خدا حافظی آخرمان هم بایی مهری و دلخوری بود. اوایل، مدتی مادر و گاهی خاله پیش ما ماندند و بعد از اینکه خیالشان راحت شد که از پس خودمان برمی‌آییم، در اهواز تنهایمان گذاشتند. آن‌ها هشت دختر پایه ثابت سنگر پشت جبهه بودند. به گفته زهرا در بیمارستان‌ها از پانسمان و تزریقات تا تمیزکاری آن را انجام می‌دادند و در واقع، کمک پرستار بودند.

همتی بلند تا آسمان

دارنده مدال طلای کارآفرینی

بانو زهره صداقت کارآفرین برتر ملی است که بیش از هشت مرتبه در استان خراسان رضوی به عنوان کارآفرین نمونه و بانوی اول ایران در رشته نساجی و پوشاک معرفی شده است و مدال طلای کارآفرینی را از دفتر ریاست جمهوری در سال ۹۴ دریافت کرده است. این بانو تا به حال به دو هزار زن سرپرست خانوار آموزش داده و با خرید چرخ خیاطی به آن‌ها کمک کرده است تا برای خود اشتغال ایجاد کنند.

این بانوی کارآفرین در حاشیه شهر مشهد مشغول به کار است.

